پیام جبهه ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۱۹ پنجشنبه ۱خرداد ۱۳۵۹ ۴ صفحه ۱۰ ریال

اگر این تفتیش عقاید نیست پس چیست؟

نامه وزیر آموزش و پرورش و پاسخ دکتر مهدی آذر

در صفحه ۲

افزایش غیر اصولی قیمت رنو بدنبال پیکان

موج گرانی سرسام‌آور وطن ما را فرا گرفته است. قشرهای زحمت‌کش و کم‌درآمد زیر بار فشار گرانی و کمبود مایحتاج ضروری و روز مره دست وپا میزننـــد، طبقات حقوق بگیر و متوسط باصطلاح گنجشک روزی و دست بدهان، نگران و پریشان با غول‌گرانی دست بگریبانند. چند روزی قبل با بوق و کرنا روزنامه‌های خبری اعلام کردند قیمت پیکان ده‌هزارتومان کاهش می‌یابد، همه خوشحال شدند و عده‌ای آنرا با ناباوری مفرط تلقی کردند. دست برقضـــا پیش بینی دسته دوم درست از آب درآمدو دو روز پیش پیکان ده‌هزارتومان گران‌شد، هنوز مساله افزایش قیمت پیکان مورد بحث و اعتراض مردم بود که دست اندرکاران قیمت رنو را نیز ۹ هزارتومان گران کردند، آخرچرا؟!

مگر نمیدانید گرانی حتی یک ریال قیمت کالاهای ضروری وحتی تجملی به‌عده‌ای فرصت طلب و از خدا بی‌خبر امکان تعدی و تجاوز بیشتر بحقوق مردم کم درآمـد را میدهد؟!

مگر نمیدانید در اثـــر سوء سیاست مسئولین پخش و توزیع اتومبیلهای پیکان ورنو بازار سیاه و مبادله بصورت وکالتی و غیره سالهاست یکی از عوامل گرانی سرسام آور و کشنده شده است؟

مگر نمیدانید یکراننده

بقیه در صفحه ۴

چرا حاکم شرع باید حکمی صادر کند که اسلام دین زور قلمداد شود

آقای وزیر آموزش و پرورش

برادر مسلمان، حتما" اطلاع دارید چندماه پیش خانم معلمی بنام ناهید ـ شمس الهی را در اراک به‌محاکمه کشیدند. گناه این زن این بود که پس از چندبار تذکر که به‌یک شاگرد بازیگوش داده و اوتوجه نکرده بود عصبی شده وکتاب بسته‌ای را که دانش‌آموز به‌آن ورمیرفته گرفته وبگوشه‌ای پرت کرده‌است. بعد معلوم شده که این کتاب درسی فقه بوده‌و درآن آیاتی از قرآن وجود داشته است. برای این بنده یک فرهنگی قدیمی سئوالاتی پیش آمده است که به اختصار آنرا بر- می‌شمارم تا شاید توجه به‌آن کمی از هرج و مرج درآموزش و پرورش بکاهد.

۱ـ دادگاه انقلاب اسلامی بنا به‌دستورامام فقط بجرایم سه گانه حیف و میل بیت‌المال، قتل‌وشکنجه‌مربوط می‌شود نه به‌اختلاف یک‌معلم که مادر روحانی لقب دارد با

بقیه در صفحه ۴

شورای انقلاب و پنهان کاری

درآستانه تشکیل مجلس شورای ملی آیا شورای انقلاب ملت را از مذاکرات و تصمیمات خود آگاه خواهد کرد؟

با شروع کار مجلس شورای ملی که‌قرار است‌هفته‌آینده افتتاح شود وظایف شورای انقلاب پایان میپذیرد.

در ماههای گذشته چندین بار ازشورای‌انقلاب‌خواسته شد گزارش کار خود را بملت عرضه کند و در معرض اطلاع و قضاوت مردم قرار دهد.

با آنکه عناصر صاحب نفوذ شورای‌انقلاب‌وعده‌دادند که صورت کاملی ازتصمیمات و اقدامات و مذاکرات این شورا را منتشر خواهند کرد، ولی تا این تاریخ که بپایان عمر شورای انقلاب نزدیک میشویم خبری از چنین‌اقدامی بگوش نمیخورد، وانگهی پس از اتمام کار این شورا و انحلال آن، انتشار گزارش‌کارها و مذاکرات سابق جز برای ضبط دردفتر تاریخ چه نتیجه‌ای در برخواهد داشت و پس از آنکه تمام اثرات خود را بر روی کشور و بنیادهای جدیدبرجاگذاشت، چه سودی از این اطلاع عاید کشور و مردم خواهد گردید.

از روزی که صحبت از تشکیل شورای‌انقلاب‌بمیان‌آمد، جبهه ملی با توجه به‌اوضاع و احوال بعد ازانقلاب و نیاز بیک مرکز واحد برای سازمان‌دهی انقلابی کشور و جلوگیری از دوگانگی قدرت اعتقادی به تشکیل شورای انقلاب‌نداشت و معتقد بود که همه عناصر انقلابی باید ازیک‌مرکز وباهماهنگی و وحدت چنانکه مرسوم همه‌انقلابهای پیروزمند بـود بـه تجدید بنای کشور بپردازند.

متاسفانه ترکیب شورای انقلاب و روش کار و بسیاری از تصمیمات آن و عدم آگاهی عناصر تشکیل دهنده آن به ضرورت زمان واوضاع واحوال واقعی کشور واحتیاجات جامعه‌انقلابی در این مرحله از جهش اجتماعی، مانع شد که این شورا بتواند نقشی را که معتقدان بآن برای آن قائل بودندانجام دهد. تا ماههای طولانی هیچکس از اسامی اعضاء شورای- انقلاب مطلع نبود.

شورائی که خود را متعلق به انقلابی میدانست که سربازان آن اعم از روحانی و روشنفکر و مردم عادی در برابرگلوله توپ و صفیر تانکهای دشمن آشکار و نمایان به مصاف رفته بودند و پیروزی نهائی را در یک مبارزه رودررو و علنـی بدست آورده بود بعد از پیروزی و در اریکه قدرت، خودرا پنهان ساخت.

شورائی که خود را متعلق به انقلابی میدانست که‌همه چیز را از آن مردم بشمار میآورد ورهبرآن‌وتمام شخصیت‌ها و قهرمانان آن از میان مردم و برای مردم و با مردم بودند و دور نگهداشتن مردم را از جریانات و حوادث و رویدادها به دفعات مکرر محکوم کردند، به پنهان کاری دست‌زد و نه تنها تمام مذاکرات و گفتگوها بلکه بسیاری از تصمیات خود را از دید وگوش مردم مخفی ساخت و پشت درهای بسته برای سرنوشت انقلاب و سرنوشت مردم و سرنوشت کشور به گفت و شنود پرداخت.

حوادث و رویدادها و اطلاعات بعدی نشان داد که این گفت و شنودهای مخفی و پشت درهای بسته‌بیش‌ازآنکه در جهت سازندگی انقلاب و مردم و کشور باشددرجهت‌بند و بست‌های شخصی و تحصیل قدرت و تسلط بر سازمانهای قضائی واجرائی و مالی کشور بوده است.

وقتی شورای انقلاب بصورت‌جمعی‌وظایف‌نخست‌وزیر را که در شان یک شخص حقیقی میباشد برعهده گرفت‌وتمام دلائلی را که قبل از آن زمان برای جدا بودن وظایف دولت و شورای انقلاب اقامه می‌کرد بفراموشی سپرد کشوردرهرج- ومرج بیشتری فرو رفت.

امروز قضاوت عموم بر آن است که هرج و مرج فعلی و بر هم ریختگی اوضاع و بیکاری و گرانی و نبودن امنیـت زندگی و سقوط تولیدات صنعتی وکشاورزی‌وافلاس اقتصادی کشوربهیچوجه نمیتواند منحصرا ناشی از طبیعت انقـلاب و اثرات آن باشد.

نتایج منفی مربوط به انقلاب بزرگ مربوط به ماههای بعد از انقلاب و در کمتر از حداقل پیش بینی بود. از آن تاریخ به بعد وضع کشور قوس نزولی پیموده است‌و جنبه‌های

بقیه در صفحه ۴

زن در انتخابات مجلس شورایملی به حساب نیامد

درمورد زن نه آرمان‌های ملی رعایت می‌شود ونه مفهوم با عظمت اسلام که احکامش برمبنای انسانیت است ونه مرد بودن

چندی دیگرمجلس‌شورای ملی افتتاح خواهد شدوباوجود خیـل نمایندگان مرداز اطراف و اکناف این مرز وبوم فقط یک نماینده زن و یا به احتمال دو نفر به مجلس شورای ملی راه می‌یابند و عملا" نمایندگان نیمی از ملت، یعنی زنان که ۵۰ درصد کل جمعیت ایران هستند ازکل‌نمایندگان‌مجلس نسبتا" کمتر ازیک‌درصدخواهد بود. و این یک واقعیت تلخ‌و دردانگیزاست. زن‌گوئی چیزی غیر از واقعیات موجود زندگی است. عشق وعلاقه‌مندی‌که‌در دل زن از شوق میهن میجوشد و تاثیر وجود او به فراموشی سپرده شده است.

ملت ستمدیده ایران که برای کسب آزادی و استقلال قیام کرد و در مبارزه‌باعوامل استبداد صدها کشته داد به یقین هدفش این نبودکه‌نیمی از جامعه را از حق طبیعی‌و آزادیهای اساسی خود محروم نگه دارد و جامعه ما راتبدیل به یک جامعه مردانه کند.

گویا اصلا" در این دیار زنی نبوده و یا مساله‌ای‌بنام‌حقوق طبیعی و آزادیهای حیاتی زن مطرح نیست‌ونباید باشدواینها که می‌بینی اشباحند.

افسوس که در انقلاب ما که توصیف اسلامی داشت‌وملی بوددرمورد‌وضع‌زن‌نه‌آرمانهای ملی رعایت میشود و نه‌مفهوم مکتب با عظمت اسلام، که احکامش برمبنای "انسانیت" است و نه "مردبودن".

آنچه در سرنوشت زن بعد از انقلاب عملا" پیاده‌شد چیزی نیست جز عدم شناخت مکتب اسلام واقعی از جـانب بعضی‌از دست‌اندرکاران‌وعدم بینش کافی از حکومت مردمی که یکی از اهداف‌انقلاب‌بود.

جو حـاکم بر نحـوه انتخابات، نگرش‌به‌طرزگزینش نمایندگان مجلس به‌نوعی‌بود که وضع اسف‌بار انتخابات‌زن را بدینسان فراهم کرد وحال آنکه‌اسلام منادی‌حق‌وعدالت، مبشر آزادی‌و برابری‌ومساوات بوده‌و ازفرازهای‌جالب تعالیم عالیه اسلام اعتلای مقام زن و ارج و احترام به‌شخصیت‌زن بوده است. مکتبی که مبنای کرامت و امتیاز انسان‌راصرفا" به‌پرهیزگاری‌وپارسائی میگذارد و نه سایر خصوصیات‌مربوط‌به جنس و جسم‌و ویژگیهای‌مادی و ظاهری. زن و مرد در نظر شارع هر دو انسانند و احکام سراسرمشحون‌ازنگرش‌به‌انسان و مساوات انسانهاست.

زن ایرانی که‌همپای‌مرد و همدوش اودرانقلاب‌گام‌بر- داشت و همصدای‌مردان‌ندای الله‌اکبرش‌رادرشبهای‌تیرگون و در روزهای‌خشم‌وخروش‌ملت هم شنیدند. اینک به غربت افتاده ومهجورمانده‌است گویا "محجور" است.

آیا این است ره‌آورد انقلاب شکوهمند ملت ایران؟ وحال آنکه از زبان رهبر انقلاب می‌شنویم.

بقیه در صفحه ۴

بدستور حجت‌اسلام خلخالی

۲۰ قاچاقچی بین‌المللی در تهران تیرباران شدند

۲۰ قاچاقچی موادمخدر که از آنها دهها کیلو هروئین و تریاک و حشیش بدست‌آمده بود، به جرم توزیع موادمخدر و ایجاد فساد، بدستورحجت الاسلام خلخالی در دادگاههای انقلاب اسلامی محاکمه شده و محکوم به اعدام شدند. سحرگاه دیروز این حکم در تهران بموقع اجرا درآمد.

حجت‌الاسلام صادق خلخالی سرپرست مبارزه با مواد مخدر دراین زمینه گفت:

این بیست نفر که روز گذشته به موجب احکام‌صادره از سوی دادگاههای انقلاب تیرباران شدند، بزرگترین باند قاچاق مواد مخدربین- المللی بودند که با سرمایه‌های کلان در کشورهای مختلف به کار قاچاق مواد مخدرمبادرت میورزیدند. تعدادی ازاعدام شدگان در رژیم سابق نیز به کارقاچاق مواد مخدرمبپرداختند که چند بار دستگیر و زندانی شده بودند. حتی برخی از آنها با دادن رشوه‌های بسیار زیاد، اززندانهای رژیم گذشته آزاد شده وبار دیگربه قاچاق مواد مخدر پرداخته بودند.

این گروه‌که‌صبح دیروزتیرباران شدند با پیگیری پاسداران انقلاب و ماموران شهربانی و ژاندارمری دستگیر شدند.

بقیه در صفحه ۴

ایرانیان برای سفر به ۹ کشور اروپائی باید ویزا بگیرند

تهران خبرگزاری پارس

وزارت امور خارجـه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد اتباع ایرانی کـه قصد مسافرت به کشورهای عضـو بازار مشترک را دارند باید قبلا" از یکی از نمایندگی‌های دولت مذکورروادید اخذکنند.

متن اطلاعیه وزارت امورخارجه باین شرح است:

نظر به این که قرارداد های لغو روادید میان ایران از یک طرف و کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، انگلستان فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، لوگزامبورک، دانمارک و ایرلند، از طرف دیگر بحالت تعلیق درآمده است لذااتباع ایرانی که قصد مسافرت بـه کشورهای مذکور را دارند باید قبلا" از یکی از نمایندگیهای دول فوق‌الذکر روادید اخذ نمایند.

درمورد جمهوری فدرال آلمان روادیددر مرز ورودبه آن کشور صادر خواهد شدو به

بقیه در صفحه ۴

هلیکوپترهای متجاوز ۲ هزار گلوله در خاک ایران شلیک کردند

باخزر ـ خبرگزاری‌پارس در زمینـــه تجاوز دو هلیکوپتر روسی از خـــاک افغانستان بـــه خاک ایران محمد تولیتی فرماندارشهرستان باخزر در یک تماس تلفنی با خبرنگار خبرگزاری پارس در مشهد گفت ساعت نه تا نه و نیم بامداددو فروندهلیکوپتر از طریق منطقه‌مرزی‌افغانستان در ناحیه ای موسوم به‌پاسگاه چاه قلعه بخاک ایران و مرز نایباد تجاوز کردند ودراین محل که چاههای عمیق حفر شده و دارای ساختمانهـای کارگری است با گلوله کالیبر پنجاه بیش از یکهزارتیـــر شلیک میکنندکه تعدادی از آنها بخانه‌های کارگری اصابت کرده است و در همین حال در منطقه دیگری که دویست متر با این محل فاصله دارد و دشت است نیز تیراندازی شدید با کالیبر پنجاه‌صورت گرفته و حدود دو هزارتیـــر شلیک میشودکه پوکه‌های آن موجود است. فـرمـانـدار شهرستان باخزر به خبرگزاری پارس در مشهد گفت‌درجریان این حمله وتیراندازی موتور سیکلت سواری با دو سرنشین که از محل مذکور به طرف گوسفندان خود عبور میکردند هدف راکت های‌هلیکوپترقرار میگیرند که یکی از آنها براثر اصابت راکت در دم کشتـه میشود.

فرماندار باخزر درپاسخ خبرنگار خبرگزاری پارس‌مشهد که آیا هلیکوپترهـا روسی

بقیه در صفحه ۴

اگر این تفتیش عقاید نیست پس چیست؟

روزنامه محترم جبهه ملی ایران

شایسته است نامه زیر را در پاسخ مقاله (معیار های تصفیه در وزارت آموزش و پرورش چیست؟) مطابق قانون مطبوعات امر به درج فرمایند.

قضاوت با مردم است

مدتهاست که روزنامه جبهه ملی زیر پوشش پرداختن بمسائل گوناگون آموزشی و پرورشی، مطالبی را عنوان کرده و یکطرفه بقاضی میرودو معلوم نیست ازاین مقوله چه هدفی را دنبال میکند؟شاید برای پایگاهها و وجهه ازدست رفته خود در میان مردم به دنبال مستمسک میگردد. از جمله بهنگام طرح مسئله تعطیلات نوروزی مدارس پیشتاز و پیشگام هرج و مرج واعتصاب میشود و وزارت آموزش و پرورش را ضد آموزش و پرورش می‌خواند و در حالیکه بظاهر برای وطن وانقلاب پیراهن چاک میدهد خودش مشوق هرج و مرج و آشوب میگردد.

فرهنگیان و فرهنگ دوستان عزیز نامه ای را که قبل از فروردین‌ماه بامضای آقای نادرابراهیمی در روزنامه جبهه ملی چاپ شده با آن محتوای غیر مسوولانه و اغوا کننده‌اش، هنوز بیاد دارند. بدیهی است پاسخ چنین نامه هائی را فقط با سکوت میتوان دادو از تاثیر باطل آن کاست و بهمین دلیل چون وزارت آموزش و پرورش مفاد نامه مزبور را غیر متعهدانه میدانست در قبال آن سکوت را جایز شمردو خوشبختانه جامعه انقلابی ما نیز بهمین نحو با آن برخورد کردواثرات مخرب آن را بنحو مطلوبی مسدود ساخت، اما بخاطر جلوگیری از تکرار چنین سمپاشی‌هائی لازم دانستیم که پاسخی کلی برای روشن شدن اذهان عمومی تهیه نمائیم تا مردم بدانند که تشویق دانش آموزان به‌نرفتن سر کلاس چه مضرات وعواقب شومی را در برخواهدداشت و تاسف عمیق ما این است آنها که خود را ملی معرفی میکنند، چگونه بخود اجازه میدهند با توجه به چنین حرکات ضد ملی، سندی را باسناد بیشمار رسوائی‌های خود افزده کنند؟ حالا هم مطلبی در روزنامه جبهه ملی دقیقا" در همین رابطه تحت عنوان ((معیار پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش‌چیست؟)) درج‌گردیده که نشان میدهد مسوولان روزنامه با مایوس شدن از تحریک دانش‌آموزان با تمهید شیوه‌های جدید، در صدد مشوب ساختن اذهان عمومی برآمده‌اندو از کسانی دفاع میکنندکه یا دارای پرونده‌های آلوده و یا سوابق همکاری نزدیک و مستمر با رژیم منحوس پهلوی، ساواک وسایرارگانهای ضد مردمی هستندو یا نقطه ضعفهای دیگری که به‌هیچ‌وجه جنبه اعتقادی ندارند، دارند. ما معتقدیم که اگر ضوابط‌معینی درزمینه‌پاکسازی و افشاء اسامی ضد انقلابیون وسرسپردگان نظام گذشته بایستی تدوین میگردید، لازم بودباینکار مقارن‌با بهمن ۱۳۵۷ یعنی زمان بثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران سریعا" بمرحله اجراء درمیامد لکن نیازبه زمان مطالعه داشت وحالا که بعد از این مدت نتایج بررسی های وزارت آموزش و پرورش در این زمینه اعلام شده نویسندگان آن روزنامه بدفاع از آنان برخاسته تحت عنوان اینکه باید لیست ساواکیها را منتشر کنید برای گروه پاکسازی شده دلسوزی میکنندو شاید انتظار و توقع دارندکه‌بهنگام اعلام اسامی افراد پاکسازی شده شماره رمز و میزان‌رابطه و مبلغ حقوق دریافتی آنان‌را می‌نوشتیم. ولی ما صرفا" به خاطر رعایت وظائف انسانی و اسلامی خود راضی نمی‌شویم اسامی را در شرایط فعلی و بخاطر مسائلی که دراین‌رابطه مطرح شده است وبرخلاف خواست قلبی مشروح‌تر و مفصل‌تر منتشر نموده وخانواده ها را ناراحت نمائیم. درعین حال اگر کسی، سازمانی، ارگان مسوولی بخواهدکه‌اسم افراد مورد نظرخودرا بداند، میتواند بمسوولان وزارت آموزش و پرورش مراجعه کرده و پاسخ لازم دریافت دارد. بعبارت دیگر اگر کسی که در سطح وزیر، معاون وزیرو یا مدیرکل خیانت میکرد باکسی که از روی فقر و استیصال، ناآگاهی وپائین بودن سطح فرهنگ اجتماعی همکاری با ساواک یا نظام گذشته را

نامه وزیر آموزش و پرورش و پاسخ دکتر مهدی آذر

پذیرفته از دیدگاههای گوناگون تخلفشان یکسان نیست و مصلحت هم نیست که آنها را در یک لیست و درکنارهم قرار دهیم زیرا جامعه هم‌از چنین اقدامی که نام یک‌وزیرخیانت پیشه همکارساواک با یک مستخدم حقوق بگیر از ساواک دریک لیست قرار بگیردبی تردید قضاوت نادرست‌خواهد کرد. وزارت آموزش و پرورش تاکید می نماید که پاکسازی شده‌ها یا ساواکی اندو یادر مقام وزارت یا معاونت صمیمانه

بقیه در صفحه ۳

آقای رجائی وزیر آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران

پس از سلام - نامه‌ء مفصل شماکه‌قسمت عمده‌واصلی آن‌متضمن‌اعتراض وپاسخگوئی به مقاله‌ء "معیارهای تصفیه‌و پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش چیست"؟ مندرج در شماره ۶ (پیام جبهه ملی) مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ بود رسید.

فرموده‌اید "شایسته است روزنامه جبهه ملی ایران "آنرا" مطابق قانون‌مطبوعات امر بدرج فرمایند" "قضاوت با مردم است".

من بهترومناسبتردانستم که پاسخ مربوط به نامه شما را اول نزد خود شما که خودیکی از مردمید بفرستم تا مطالعه بکنید و هر گاه پسندیدید مجددا" بنویسید تا دستور درج شدن آنرا در "پیام‌جبهه ملی" و در صورت اقتضا در جرائد دیگر هم بدهم. لابد در نظر میگیرید که نامه شماکه من یک نسخه فتوکپی آنرابرای شما میفرستم تا دم دستتان باشد، خطاب به‌روزنامه‌ء "جبهه ملی ایران" است نه "پیام جبهه ملی" باین جهت در یادی امرمن از دیدن عنوان آن تصور کردم که نامه مزبور اشتباها" باداره‌ء "پیام‌جبهه ملی" ارسال شده است ولی چون آنرا بازکرده‌ودردسترس من گذاشته بودند، خواندمش و از تعارفات دور از نزاکت و "اخلاق انسانی واسلامی" که در آن تنار جبهه ملی واعضاء آن‌شده‌بودومخصوصا" ازقسمت دوم آن که متضمن اعتراض بر مقاله "معیارتصفیه‌الخ" میباشد دانستم که در نظر شما طرف خطاب و عتاب "همان پیام جبهه ملی" است و نامه شما اشتباها" به "پیام‌جبهه‌ملی" فرستاده نشده است، لذا به نوشتن شرح ذیل مبادرت‌کردم:

در ابتدا بایدگفته‌شود: نامه قبل از فروردین (معلوم نکرده‌اید کدام فروردین؟ ـ فروردین ۱۳۵۸ یا ۱۳۵۹ یا فروردین دیگر؟) "که‌بامضای نادرابراهیمی درروزنامه جبهه ملی چاپ شده بوده است". محققا" مربوط به "پیام‌جبهه ملی" نیست. زیرا "پیام جبهه‌ملی" ازهفدهم فروردین سال ۱۳۵۹ منتشر میگردد و روزنامه‌ای که قبل از فروردین (سال ۱۳۵۸ یا سال ۱۳۵۹) با عنوان رسمی "جبهه ملی ایران" یا "اتحاد بزرگ" به اضافه "جبهه‌ملی‌ایران"، در کنار عنوان‌مزبور، منتشرمیشد غیر از "پیام‌جبهه‌ملی" است و صاحب‌امتیازش‌آقای مهندس اخوان وسردبیرش خانم پروانه فروهر است. اگر به نامه نادر ابراهیمی اعتراضی دارید به روزنامه مزبور مراجعه بکنید و همچنین باید متذکربودکه‌مطلب تحت عنوان "معیار پاکسازی و تصفیه‌الخ" که‌مورداعتراض قرار گرفته است چنانکه گفته شد در شماره ۶ "پیام جبهه ملی" درج شده است نه در روزنامه "جبهه ملی ایران" و باین مناسبت بایددانست‌که بیدقتی و فرق نگذاشتن بین دوچیزازهرحیث‌واضح‌اختلاف که از ناحیه گردانندگان عالیمقام امور وزارت آموزش و پرورش بعمل آمده است خود دلیل بارزی بر عدم توجه دقیق اشخاص‌مزبوربواقع امورومسائل است و با طرزفکروعمل‌اشخاص بی‌غرض خاصه در امور مربوط به آموزش و پرورش سازگار نیست. از این گذشته‌شمادر باره‌اشخاصی‌که‌موردکم‌التفاتی و بی‌مهری واقع شده‌اند نوشته‌اید که آنان "دارای پرونده‌های کذا و کذاهستند" یا نقطه‌ء ضعف‌های دیگری که بهیچوجه جنبه اعتقادی ندارند، دارند" آیا ممکن نبود که برای معلوم داشتن و ثابت کردن صحت تشخیص خود و در کار نبودن هیچ‌قسم اشتباه و غرض خصوصی لااقل شماره و منشاء پرونده‌های‌مورد استناد خویش را ذکربفرمائید تا معلوم شودمنشاء آنهاچیست و چه کسانی در چه زمانی آنها راتشکیل داده‌یادرست‌کرده‌اند و آنچه‌درآنها دلیل بر "سوابق همکاری نزدیک و مستمربارژیم منحوس پهلوی و ساواک وسایر ارگانهای ضدمردمی" میباشد روشن و معلوم‌گردد؟ تاکسانی که به صحیح و بی‌غرضانه‌بودن پاکسازیهای‌شاایمان‌نیاورده‌اند بدانندوساکت‌بشوند. وانگهی مقصودازجنبه‌اعتقادی‌چیست؟ و آیا ممکن است‌که‌اعتقادکسی را بدون آنکه خودش‌اظهارو اعتراف کند بطورقاطع‌وغیر قابل تردید بجا آورد و ازکنه آن مطلع گردید؟ پس کسانی راباتهام "نقطه‌ء ضعف نداشتن جنبه‌ء اعتقادی" بدون آنکه مجال پاسخگوئی و رد اتهام در یک دادگاه قانونی آزاد به آنان داده شود محکوم‌کردن و سپس‌ازسکوت‌اجباری‌یاعدم اقتدارآنان‌باقامه‌ء دلیل برای ردانهام‌یابواسطه‌واردنبودن یا وادارشدنشان‌بایرادجواب نارسا و سهوی و بعد از آن جواب نارسا اتخاذ سندبرای اثبات بی‌اعتقادی‌آنان‌کردن از لحاظ روانشناسی یک روش پلیسی تفتیش عقاید است و عمل شما در پاکسازی‌ادعائی و محروم ساختن اشخاص از شغل و کار مشروع وپامال‌جفا کردن حقوق مکتسبه‌ء آنان و لطمه زدن به حیثیتشان منطبق با یک چنین روشی است. شما اشخاصی‌راباتهام یا بدلیل داشتن سوابق "همکاری نزدیک و مستمر با

بقیه در صفحه ۴

انقلاب ایران و تجاوز نظامی شوروی به افغانستان

نوشته: دکترپرویز ورجاوند

قسمت دوم

روسها که با دقت جریان مبارزات ملت ایران را برای سرنگونی رژیم وابسته و منحط شاه‌مخلوع دنبال میکردند، برای آنکه امکان نفوذ در این انقلاب را میسر نمی‌دیدند بر آن گشتند تا تسلط قطعی خویش را بر سرزمین همسایه و برادروهم فرهنگ ما افغانستان بمرحله اجراء گذارند. ازاینروکودتای "ترکی" در افغانستان بوقوع پیوست تا قبل از پیروزی‌انقلاب ملت ایران و تاثیرآن بربرادران افغانی با توجه به زمینه‌های بسیار مساعد موجوددرجهت سرنگون ساختن رژیم "داودخان"، پیش‌دستی شده باشد و رژیمی بر بنیاد ایدئولوژی مارکسیستی درآن سرزمین استقرار بیابد.

روسها دریافته‌بودند که بدلایل بسیار و بخصوص با توجه به خاطره تلخی که در جریان جنگ دوم جهانی در زمینه تجزیه کشور، ملت ایران از آنها دارد، در شرایط موجود امکان یک‌کودتای‌چپ مارکسیستی وابسته به شوروی در ایران برایشاروجودنخواهد داشت. بنابراین با انجام چنین کودتائی در افغانستان‌وجابجا کردن شخصیت‌های‌رهبری‌آن از یک مارکسیست ملی بسوی یک کمونیست دست نشانده و تسخیر کامل نظامی آن سرزمین و اقدام برای سرکوبی‌جنبش‌رهائی بخش برادران‌افغانی کوشیدند تا افغانستان را در اختیار بگیرند و آنرا به پایگاهی قطعی برای خویش مبدل سازند.

زیرا که با انجام اینکار از یکسو امکان‌یاری رساندن به دست نشاندگان مارکسیستشان برای ایجاد آشوب درقسمتهایی چون: ترکمن‌صحرا، بلوچستان و کردستان‌وبرخی‌ازشهرهای دیگر، بمنظور جلوگیری از قدرت گرفتن حکومت ملی و ضد امپریالیستی در ایران وجود دارد و هم آنکه باانجام این تجاوز به مردم استقلال طلب ماوراءالنهر و آسیای مرکزی و قفقاز که با انقلاب ایران روزنه امیدی‌برویشان گشوده گشته است، هشدار داده و باز هر چشم گرفتن از آنهاامکان بروز جنبش‌های‌رهائی بخش را درمستعمرات‌آسیائی خود به تاخیر بیاندازند.

گذشته ازآن‌روسهاباابن تجاوز آشکار و اشغال نظامی افغانستان یک‌گام بلند خودرا به رویاهای دیرین خویش که دسترسی به آبهای گرم‌دریای عمان و خلیج فارس است نزدیک ساختند.

روسهابراساس‌برآوردی که صورت پذیرفته است باتوجه به‌گسترش‌صنایع سنگین، متوسط و سبک در داخل کشور خود و افزایش‌روز افزون مصرف انرژی توسط ساکنان سرزمین‌های پهناور خویش‌و بالاخره‌تعهداتی که برای تامین نفت مصرفی‌در قبال کشورهای اروپائی شرقی دارند، ازهم‌اکنون بانگرانی‌هائی در زمینه‌میزان تولید نفت موجه گردیده‌اند.

چنانکه طبق‌گزارش‌هفته نامه "نفت‌وگاز" برژنف‌رهبری شوروی کمسیونی را مامورسیدگی به بحران انرژی ساخته‌و اعلام کرد که نفت‌وذغال مصرفی‌در سال ۱۹۸۰ کاهش خواهدیافت برژنف گفت که شوروی‌باید‌در استفاده ازسوخت‌اتمی‌وانرژی خورشیدی قدمهای مهمی بردارد. مسئول‌طرح‌وبرنامه‌ریزی انرژی اعلام کرد که در سال ۱۹۷۹ تولید نفت خام ۱۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر ازمیزان پیش‌بینی در روز بوده است و تولید ذغال سنگ نیز ۷۱میلیون تن کاهش یافته‌است. باتوجه به مراتب بالا ملاحظه میگردد که روسیه شوروی تمامی تلاش خود را بکار خواهد بست تا بتواند در آینده از نفت خاومیانه و منطقه‌خلیج‌فارس برای خود سهمی دست و پا کند.

واقعیت اینست که‌روسها چون آمریکائیهامیکوشندنانفت و گاز و هر انرژی دیگری را با کمترین قیمت ممکن تهیه‌ومورد استفاده قرار دهند و برای نیل به چنین منظوری، دوراه اصلی در پیش‌رو دارند.

۱ - نخست آنکه بکوشند تادرسرزمین‌های‌نفت‌خیز خاورمیانه‌چون ایران، عراق و نظایر آن دولت‌های دست - نشانده بر سرکار آورند تا با راحتی خیال توفیق چپاول‌منابع سرشار این کشورها را بدست آورند. در این زمینه روسها با توجه به منافع ابر قدرت‌آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمندغربی، اصراری بر این‌نخواهنددداشت تا حکومت ایران با عراق، دست‌نشانده مستقیم آنها باشند، کافیست که رژیم مسلط در این سرزمین‌ها از تکیه‌برملت بی‌بهره بوده و به گونه یک حکومت وابسته غیر ملی عمل کند. درچنین شرایطی‌روسها با انجام مانورهای خاصی قادر خواهند بود تا باج لازم را بستانند. نمونه چنین امری‌را در رابطه صمیمانه‌دولت‌شوروی با رژیم سیاه شاه مخلوع ورژیم ضد مردمی بعث عراق شاهد بوده و هستیم.

۲ - زمانیکه روسها راه تسلط مستقیم را نظیر شرایط امروز ایران مسدود ببینند از راه دوم وارد عمل خواهند شد، که عبارت است از تحت فشار قرار دادن و دست به توطئه‌زدن علیه کشورهای‌صاحب نفت و تهدید منافع رقیبان خود. در رابطه باین راه دوم است که گذشته از دلایلی که در بالا برشمردیم. روسهااقدام به اعزام نیرو و اشغال نظامی افغانستان کرده‌اند. رویای دیرین روسیه در زمینه دست یافتن به‌خلیج فارس ودریای عمان و بالاخره آبهای گرم اقیانوس هند با توجه باینکه نزدیک شصت درصد ذخائر نفتی جهان در دوسوی این راه قرار دارد. امری است که در حال حاضر بیش از هرزمانی توجه روسها را بخود جلب ساخته است. چنانکه ازسالها پیش کوشیده‌اند تا بدون‌وقفه در شبه قاره هند حضور موثر داشته و با تحمل هزینه‌های سنگین استقرار ناوگانشان را در اقیانوس هند محقق سازند. اینک در دنبال طرحهای‌گذشته در پی اشغال نظامی افغانستان و استقرار نیروهای خود در مجاورت مرزایران برآن هستند تا بانجام تحریکات لازم بیاری سرسپردگان خود چون‌حزب - توده‌وسازمانهای‌متعدد‌کمونیستی موتلف‌باآن‌بتوانند‌موجبات‌بروز آشوبها‌وحوادثی‌رادربلوچستان در جهت ایجاد یک حکومت خود مختار یا به ظاهر مستقل و دست‌نشانده‌رافراهم‌آورند. اگر چنین امری جامع عمل بپوشد دیگر روسها هیچگونه دغدغه خاطری نخواهندداشت، و براحتی از پایگاه عظیم‌دریائی هوائی "کنارک" در نزدیک‌چاه بهار، که در زمان شاه‌مخلوع، بعنوان یکی از مهمترین پایگاههای مورد نظرامپریالیزم آمریکا، احداث گردیده، بهره‌برداری خواهند کرد. اگرروسها در بانجام رسانیدن این نیت شوم خود بر اثر هشیاری‌مقاومت ملت ایران وبرادران‌بلوچستانی و سیستانی، توفیق بدست نیاوردند بازهم با حضور نظامی وسیع خوددرافغانستان گامی بلند در جهت کسب امتیازهای‌مورد‌نظربرداشته‌اند. زیرا که بدون‌شک‌روسهاکوشش خواهند کرد تا باایجاد پایگاه‌های هوائی و سکوهای پرتاب موشک در خاک‌افغانستان‌قسمت دیگر برنامه خودبعنی‌تهدید مسیر عبور کشتیهای نفتکش‌را ازفاصله‌ای‌نه‌چندان‌دورفراهم سازند و با تحت فشار قرار دادن کشورهای نفتخیزوتهدید منافع کمپانیهای وابسته‌به‌غرب موجبات بهره یافتن از بخشی از تولیدات نفتی منطقه را به نفع خویش فراهم آورند. و بالاخره آنکه روسها با توجه‌به اوضاع و احوال خاص کنونی ایران و نابسامانیهای وسیعی که ملت ما با آن دست‌بگریبان است، باین امید بسته‌اند که باااوج گرفتن بحران‌بیکاری، بالا رفتن قیمتها رکوداقتصادی و دیگر مشکلات، محیط برای یک کودتای کمونیستی توسط سازمانهای مارکسیستی وابسته موجود فراهم آید. در چنان وضعی است که حضور ارتش شوروی در مجاورت مرزهای ایران برای مداخله و وارد ساختن یک ضربه نهائی ومات کننده نظیر آنچه کمدرافغانستان بمرحله اجراء گذارده شد، نهایت ضرورت راخواهدداشت

در پایان جا دارد یادآور شویم که درگیری وسیع ملت‌ما با دشمن حیله گر و شماره یک کنونی خود آمریکا با همه‌اهمیت و ضرورتی که‌دارد، نبایدسبب گردد تا مرزاقدامات تجاوز گرانه و تحریکات ابر قدرت و امپریالیزم شرق غافل بمانیم و یکباره خود را در برابرامری انجام شده و غیرقابل جبران بیابیم.

داستان مصدق و هریمن

۶

تالیف : ورنن ـ س ـ والتر
ترجمه : حسن شهیدی

"واقعه‌ایکه در نوشاتل (Nochatel) روی داده بود چنین شرح داد : امتحان کننده با او سوار موتورنگردید و بمصدق گفته بود سوار شود و تا دریاچه برود و بازگردد . مصدق بساحل دریاچه میرسد اما نتوانسته بود توقف کند و وارد بساط خانمی میوه فروش میشود و بساط او را واژگون میسازد . خانم فروشنده فریاد میکشد "خوک" خوک" ـ مصدق گفت میتوانید تصور کنید وقتی بمن که مسلمانم گفت خوک" ـ خوک" چه بر من گذشت "ولی من زبان او را جبران کردم و موتور را که هنوز می‌چرخید از زمین بلند کردم و آرام بازگشتم . ممتحن گفت آقای مصدق ،طول کشید معلوم می‌شود که شما با دقت و احتیاط رانندگی میکنید بشما تبریک میگویم "این پروانه" رانندگی شماست .

همه این داستانها به مصدق کمک میکرد که غربیان را نوعی خاص در نظر خود جلوه‌گر سازد" از این روباوالقاء شده بود که اگر در مقابل آنان مقاومت کند تقریبا هر چه میخواهد بدست خواهد آورد .طبعا چنین وضعی منجر باین میشد که‌بنحوی عجیب چانه بزند .

بانو لوکرسیا گرادی (Lucreria GRADY) خانمی بسیار زنده دل که اندکی در سخن کم توجه بود روزی بنخست‌وزیر گفت آقای دکتر مصدق شما چهره‌ئی دارید بسیار گویا "وقتی بهیچ‌چیز فکر نمیکنید از نگاه تهی شما میتوانم این مطلب را بفهم" من مطلب را چنین ترجمه‌کردم (چهره شما گویا میباشد) و وقتی به افکار عمیق مشغولید از وضع تمرکز شما میتوانم این مطلب را بفهمم .خوشبختانه‌هیچکس تغییری را که در ترجمه دادم نفهمید .

وزیر راه آهن مورد اعتماد دکتر مصدق بود ،با مادر کاخ زندگی میکرد . خانم گریدی روزی به او گفت در محل اقامت سفیر کبیر موشی چاق نزدیک بود بچه‌کوچولوی خانم حکمران را از هم پاره کندو چیزی نمانده بود که یک جرکه شکار موش تشکیل یابد . خانم‌بسخن چنین افزود "دکتربوشهری اگر بملاقات ما بیاید قبلا ما را آگاه سازید تا هیچکس بسوی شما تیراندازی‌نکند .وزیر که‌اندکی انگلیسی سخن میگفت‌پنداشت میگویند ممکن‌است‌او را بجای موش بگیرند . من نمیدانم چگونه آنجمله را ترجمه کردم تا از آن وضع ناجور خلاص شوم .

هنگام این مذاکرات هریمن بلندن رفت تا حکومت بریتانیا را متقاعد سازد که کسی را بایران بفرستد که‌دارای اختیار تام باشد و بتواند با دکتر مصدق مذاکره کند . او با فرانسیس شپارد (Francis Shephard) که از اندونزی مراجعت میکرد همراهی میشد . در اندونزی به مشکلات بسیار دچار شده بودو روزی برای ما حکایت کرد که ماموریت او درایران چگونه بوسیله بوین (Bevin) وزیر خارجه انگلستان باو ابلاغ گردید .

بوین باو گفته بود" فرانسیس شما دراندونزی‌لحظات دشواری را گذرانده‌اید" اینک شما را به‌محلی اعزام میداریم و در آنجا بماموریتی میگماریم که دشواری درآنجانداشته باشید . بایران؟ من نمیدانم که حضرت فرانسیس شپارد کاملا" منظور از اعزام بایران فهمیده بود یانه ؟ اما‌ومردی است باهمت" بنابراین به سیاست هریمن که ازفشارهائیکه از طرف ملیون افراطی و متعصبان مذهبی بمصدق‌واردمیشد آگاه بود" فکر کرد که یک ملاقات با آیت‌اله کاشانی پیشوای دینی شاید برای یافتن راه نجات چاره‌ئی باشد .

باو گفته بودند کاشانی مردی متعصب است و مذاکره با او بنتیجه نمی انجامد . اما هریمن برای ملاقات با آیت‌اله پافشاری کردو با مشکلات زیاد وعدهٔ ملاقات گرفت .

آیت‌اله کاشانی در حومه قلهک " میان راه بین مرکز تهران و کاخی که در شمیران بود وما در آنجا بسر میبردیم اقامت داشت . تا آنوقت اگر من در ایران منظره‌ئی که‌انتظار داشتم بسیار شرقی نباشد میدیدم متحیر میشدم" اما وضع خانهٔ او چنین نبود . او دارای محاسن بسیار کوتاه بودو عمامه ئی برسر داشت . ما باطاقی بزرگ راهنمائی شدیم‌که پرده‌های مجلل داشت و در پشت آن بنظر میرسید‌که‌کاهگاه چیزی تکان میخورد . هریمن گفتگو با کاشانی را شروع کرده او نیز مانند مصدق گفت " هریمن هیچ نمیداند که‌انگلیسها بدترین ملت روی جهان هستند . هریمن با حالت هیجانی گفت آنها را میشناسم و در انگلستان سفیر کبیر بوده ام " چندین سال در آنجا زندگانی کرده ام و با آنها دوجنگ داشته ایم .

دنباله دارد

نامه وزیر آموزش و پرورش ...

بقیه از صفحه ۲

در تحکیم رژیم ضد خلقی پهلوی کوشیده‌اندو بهیچوجه بحث گروه سیاسی و عقیدتی در آن نیست .

در خاتمه وزارت متبوع از نویسنده محترم پرسشی دارد که آیا بهتر نبود عنوان مقاله را ((معیارهای‌استخدام درآموزش‌و پرورش)) قرارمی دادند زیرا قسمت اعظم‌مطلب مقاله مربوط به استخدام و نحوه آن است که معلوم‌نیست خودایشان متقاضی استخدام بوده‌اند یا از انصارو اعوان و ارقاب و اقران که تا این حد ناراحت شده‌اند و نگران .

ضمنا" در متن مقاله دوبار به تفتیش عقائداشاره‌ای نموده‌اند . چقدر خوب بود اصطلاحات درجای خودبکار می‌رفتند . در جمهوری اسلامی که منبعث از یک انقلاب اسلامی صد درصد است وملتی‌مسلمان قاطعانه مصمم است کلیه‌شئون جامعه خود را بر پایه اسلامی بنا نهد و با توجه باینکه تحقق این تصمیم منوط به ایجاد فرهنگ اسلامی است‌آیا این روش مصاحبه با شخصی‌که میخواهد سنگین‌ترین بار استمرار انقلاب را بدوش‌کشد، جرم محض و جنایت صرف است؟ آیا این ذنب لایغفر است که وزارت آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی مطلع گردد معلمی که میخواهد استخدام شود مسلمان است ، متعهد است ، عملا"مؤمن بانقلاب اسلامی است ؟ این میشود تفتیش‌عقائد؟ آنهم درکشوری اسلامی که۹۸% مردمش به جمهوری اسلامی رأی‌داده‌اند؟

آقای نویسنده محترم حتما" اطلاع دارند درجوامع مترقی و بنظر ایشان ابرمترقی که شاید بیشترین تعداد کارمندان دولت معلم هستند یک معلم ضد مارکسیست‌اجازه تدریس در کلاسهای‌آن‌جامعه را ندارد ، آنگاه شما انتظار دارید در یک جامعه اسلامی که صرفا" پابرهنگان خالی دست با قلبی مملو از ایمان و زبانی لااله‌الاالله گویان سینه عریان خود را سپر گلوله استعمارگران‌نموده تا کاخ استبدادو هزارو پانصد ساله را واژگون سازند وحکومت "الله" یعنی مستضعفان را جایگزین آن نمایند به‌افرادی که فر"الله" را در نظردارند یا ضد"الله" هستندو عمیقا" بدان کینه می‌ورزند ، اجازه داده شود مالیات این پا برهنگان را به عنوان حقوق و مزایا دریافت نموده رسما" و علنا" علیه آنان ومقدسات آنان به تبلیغ بپردازندو احساساتشان را جریحه‌دار نمایندو هرلحظه به جنگ و جدالشان بکشانند وخونریزی نمایند .

آقای نویسنده ارجمند مسلما" توجه دارند که ملت ایران " لااله" گفتند یعنی هیچ خدائی ، نه راست ، نه چپ ، نه غرب نه شرق نه مستعمران نه مزوران، نه کاپیتالیسم نه سوسیالیسم ، نه فاشیسم نه لیبرالیسم ، نه شوونیسم و خلاصه نه هیچ‌ایسم دیگری مگر" الله" .

متاسفانه باید عرض‌شود که خود نویسنده مقاله هم اعتقادی باین موضوع ندارد که انقلاب ایران لفظ مجردی نیست بلکه مقید به صفت اسلامی است . زیراکه‌درنوشته خود مرقوم داشته‌اند . ایدئولژی باصطلاح اسلامی ، این نوع تعبیر مبین آنست که ایدئولژی اسلامی‌اصطلاح‌است و واقعیتی ندارد .

واقعا" جای بسی‌شگفتی است که :

"چشم بازو گوش بازو
بن عمی
حیرتم زین چشم بندی
خدا"

شما آقای نویسنده روشنفکر حزبی مثل اینست که از دست تعدادی افراد عادی و بی تجربه وبی کفایت وحتما " بی سرو پا و بی کس وکارو بی ایل و تبار و متظاهربه داشتن ایدئولژی اسلامی که ضوابط مشخصی برای پاکسازی ندارند و صرفا" باعمال غرض های تنگ نظرانه خودباعث آشفتگی و عدم کارآئی‌دستگاه ها می‌شوند ..... سخت به تنگ آمده اید ، چون از طرفی عده کثیری ازکارشناسان متبحر و صاحب نظران حقیقی را همین افرادعادی کنار گذاشته اند رنج می برید و از طرف دیگر تعدد مشاغل حساس به مستخدمین جدید عادی و بی تجربه شما را ناراحت می‌سازدو عاقبت ناخوش آینده نگرانتان می‌نماید یقینا" باور دارید که این اصل" صرف ادعا موجب اثبات مدعا نیست " مسلم و غیر قابل انکار است بنابراین " این گوی و این میدان" اگر دلیلی دارید بفرمائید واثبات نمائید .

در ضمن یادآور میشود که وزارت آموزش و پرورش لزومی نمی بیند که نویسنده بزرگوار تا این حدازکنارماندن صاحبنظران اعصاب خود را ناراحت کنند چون انسان بطور کلی ، حتی صاحبنظران و رزمندگان دیروز و دبیران کل احزاب امروز در معرض خطر افشاء وضع خود هستند که ناگهان پرده‌ها برکنار رود و رازها برون آید و پته‌ها بر آب افتد .

اتفاقا" بعکس نظر جنابعالی ما اداره کنندگان کنونی وزارت آموزش و پرورش و بفرموده سرکار" افراد عادی و ..... "بیاری خدای بزرگ وهمت پابرهنگان‌مسلمان آینده را بسیار درخشان‌تر از حال و نقطه مقابل گذشته می بینیم و امیدواریم بتوانیم با برقراری فرهنگ اسلامی مستضعفان را بر مسندواقعی خود که همان خلیفه‌الهی‌است بنشانیم و بد بینان کج اندیش و عیبجویان مغرض را براه راست و صراط مستقیم راهبر شویم .

محمدعلی رجائی
وزیرآموزش‌وپرورش
جمهوری اسلامی ایران

تحلیل اقتصادی و اجتماعی تورم در ایران

اسکناسهای اضافی به صورت مزد، سود و بهره مالکانه، قیمت‌ها را بالا بردند.

دکتر باقر قدیری

قسمت دوم

مثل تغییر بنیان تغذیه‌ازتک غذائی به غذای جامع از تبدیل منقل و کرسی به بخاری‌وشوفاژ ، ازلحاظ ساختمانی‌ازخانه‌های‌گلی‌وآجری به‌نمای‌سنگ ، ازپاکت‌های‌کاغذی به پاکت‌های نایلونی از چهار ـ زانو نشستن تا استفاده از میز و صندلی و قاشق‌وچنگال‌ودستمال سفره واستفاده‌ازصدهانوع غذای نوظهور فرنگی ، استیک و سوفله و پیتزا و کتاکی که‌سوقات‌هزارها و ده‌ها هزار فرنگی و فرنگ رفته از چهارگوشه‌جهان‌باعث‌افزایش هزینه مصرفی سرانه شده است . به این هزینه‌های اضافی بجا یا بیجا باید هزینه‌های اضافی کردارهای اقتصادی انتقال ازده نشینی به‌جاده‌شهرنشینی‌اضافه کرد .

تورم ایران یک سری علل روانی هم دارد .

مردم ما بر اثرصعود پیاپی قیمت‌ها نسبت به‌تورم‌حساسیت پیدا کرده‌اند : از کمترین ترقی قیمت‌ها احساس تشویش ودلهره می‌کنندوباکردارتورمی به‌استقبال تورمی می‌روند : بجای آنکه‌فردا بخرندامروزمی‌خرندوبجای آنکه امروز بفروشند به فردا موکول می‌کنند . با قوانین خلق‌الساعه مردم را به آینده‌بدبین کردند . دیگر بفکر آنکه‌قناعت‌توانگر کند مرد را نیافتادند ، دم‌راغنیمت شمردند . خوردند و بردند .

احساس‌های ناامنی وبخور و ببر ، تب مصرف‌واسراف‌ایجاد می‌کنند : مغازه و خرید‌قبله‌آمال می‌شوند و مصرف به‌عنوان‌تسکین دهنده و جبران کمبودها تلقی می‌گردد : تنوع‌طلبی‌ووسوسه‌های خرید و صرف غذاهای نوظهورو گرانقیمت‌تقاضاهای‌اضافی بوجود می‌آورند خاصه‌اینکه‌وسایل‌ارتباط جمعی و برنامه‌های تبلیغاتی به گسترش آرزوها و هوس‌ها دامن می‌زدند و نیازهای جدیدبوجود میآوردند .

به‌این‌احساس‌ها ، احساس بی‌اعتمادی نسبت به ارزش پول افزوده شده‌بودومردم که‌به‌قدرت خرید پول‌رایج‌مملکت‌تردید‌پیدا کرده بودند به‌شکم‌وزمین‌و تجمل پرداختند و خرید و فروش زمین دلمشغولی شهروندان‌شدوفاجعه آفرید و فریاد مسکن را به‌آسمان رساند .

اینها علت‌هائی بودند که تورم دورهٔ حاضر را بوجود آوردند . ببینیم از این علت‌ها کدام بعد از انقلاب وجود دارند .

ـ حجم پول که در سال ۱۳۵۶ معادل ۷۹۰ میلیارد ریال‌بود درسال۱۳۵۷به۱۲۳۶ میلیارد ریال و در ده ماهه‌سال۱۳۵۸ به ۱۴۴۰ میلیاردریال‌افزایش یافت .

ـ سرمایه‌گذاری تقلیل پیداکرد.

ـ بودجه‌کل‌کشورتقلیل‌پیداکرد .

علل بنیانی تورم‌همچنان به قوت‌خودباقیست : مردم‌مبتلا به بیکاری‌اند ، آنها که‌کارمیکنند حاصل‌کارشان‌کم‌است ، اعتصاب ، کم‌کاری ،راه‌پیمائی تعدد‌دکانهای فروش بیشتر شده است دکمه‌های بسیار بوجود آمده است . کمبود کارگر متخصص ، مهندس ، کادرو پزشک محسوس‌تر است فقط تغییر بنیان مصرفی متوقف شده‌است : بجای رستورانهای شبه فرنگی ، دکه‌های‌کبابی ، جگرکی ، لوبیا ـ فروشی و قهوه‌خانه‌های‌بسیار سبز شده‌اند .

از آن‌خانه‌های‌تجملی کمتر ساخته می‌شود : هر کس زمینی تصرف کند یا خشت‌خام‌یا پخته خانه بنا می‌کند : هرجورخواست می‌پوشد ، تیغ و پودر و ماتیک و صابون‌کمتر‌مصرف می‌شود . لباس فاخر مسخره می‌نماید شوق‌تجمل دیگر هیجان‌آور نیست بی‌چنگال و میز و صندلی‌ومبل ارزش‌انسانی کم‌نمی‌شود . دیگرتقلیدازمشاهیر عشرتگران‌ودولتمندان‌رواج‌ندارد ولی طبقات کم درآمد تاسکه‌آخر خرج می‌کنند و هزینه‌های‌غذائی طبقات درآمدهای بیشتر تغییر نکرده است .

از علل روانی ، حساسیت نسبت به تورم‌وجود داردوافزون شده‌است : ازترس‌آنکه‌فردا چیزی بدست نیاورند امروزصف‌طولانی می‌بندند : بجای چند تخم‌مرغ چند شانه تخم‌مرغ : بجای چند سیر گوشت چند کیلو اگربفروشند می‌خرند .

احساس‌های‌ناامنی‌وخطرات وقوع جنگ داخلی‌وجهانی بیشتر شده است . زندگانی بطورروزمره علت وجودی پیدا کرده است . مصرف هنوز عامل تسکین‌دهنده وجبران‌کمبودهاومحرومیت‌هاست . بی‌اعتمادی‌به‌پول بیشترشده‌است خاصه اینکه علاوه بر تنزل‌ارزش داخلی ریال ارزش‌خارجی‌آن‌نیز سقوط بدفرجام کرده‌است . فقط قیمت زمین و خانه‌های تجملی تنزل پیدا کرده است .

علت‌های زیر بعدازانقلاب‌اضافه شدند :

ـ تولیدات صنعتی نقصان کلی یافته است .

ـ دامداری به علت‌فقدان‌علوفه و امنیت به نابودی‌کشیده‌شده است .

ـ واردات‌کلا" تقلیل‌یافته‌است .

ـ هزینه حمل ونقل‌افزایش یافته است .

ـ بازرگانان با تاریک دیدن‌افق سیاسی و چماق قیمت گذاری رغبت وارداتی ندارند .

چاره‌چیست ؟ باتورم‌چگونه‌باید مبارزه کرد ؟

برای‌مبارزه‌باتورم‌یا باید تقاضا را تقلیل داد و یا‌عرضه را افزودواستفاده‌ازهردوطریق راه میان‌بر است . زیرا‌افزایش قیمت‌ها نتیجه عدم تطابق‌دو جریان پول و کالاست . برای مهار تورم ، این راههای‌مبارزه وجود دارد :

۱ـ نرخ بهره را بالا می‌برند . این روزها همه‌جادر دنیا نرخ بهره‌را بالا برده‌اند و حتی به بیست و چند درصد نیز رسیده‌است . ولی‌در‌ایران ربا حرام است حرفی نیست . ازاین‌راه‌مبارزه‌صرفنظرمیکنیم .

۲ـ برای مبارزه با تورم سیاست‌بازاربازاعمال‌میکنند . یعنی بانک مرکزی‌اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی‌می‌فروشد تا اضافه‌درآمدهاراجذب‌کند . چون خریدو فروش‌اوراق قرضه مستلزم پرداخت بهره است و از بهره تلقی ربا دارند وربا حرام است پس از این سیاست هم در ایران نمیتوان استفاده کرد .

۳ـ اعطای اعتبارات ترجیحی یک راه درست‌مبارزه با تورم است در این زمان که میل به سرمایه‌گذاری‌وامید نفع آینده‌به‌سبب‌فقدان‌تامین‌های جانی‌ومالی‌منفی‌است‌و اعتماد به آینده مخصوصا" به خاطر مصاحبه‌ها و یا بس گوئی‌های فریبنده درباره‌مالکیت‌متزلزل است و کمترکسی‌دل‌به‌صناعت می‌دهد وامهای بی‌بهره به واحدهای تولیدی و موردنیاز جامعه عامل محرک‌فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی و موجد کار و اشتغال برای بیکاران‌خواهد بود .

۴ـ سیاست مالی و مالیاتی . انتشار اوراق قرضه بهمان مانع رباخواری برخورد میکند که گفتیم وقابل استفاده نیست . برای مبارزه با تورم ، معمولا" نرخ‌مالیات‌هاراافزایش می‌دهند تا تقاضاهای اضافی را محدودکنند . ازاین‌سیاست هم در ایران فعلا" نمیتوان طرفی‌بست زیراکم‌وزیاد کردن مالیات ، آنهم مالیاتی‌که‌فقط به کارمندان تحمیل می‌شود فایده‌ای ندارد‌و از منابع دیگر مالیاتی چیزی‌قابل‌وصول‌نیست و مالیاتهای غیر مستقیم نیز مستقیما" به‌قیمت‌هامی‌افزایند .

هدف اعمال این سیاست‌ها تقلیل تقاضا بود .

در آغاز انقلاب امید میرفت که مردم را به زندگی ساده‌رهبران‌صدراسلام‌هدایت کنند و مبلغین و رهبران دین ومملکت‌خودوخانواده و اعوان انصارشان نمونه‌های ایثار و رهبانیت‌باشندو ازلذایذمادی اعراض کنند ؛ از مصرف غذا و پوشاک و وسایط نقلیه متعین امساک کنند و مربیان‌وارستگی و پرهیزگاری باشند .

اگرچنین‌می‌کردند‌قیمت‌ها این چنین بالا نمی‌رفت و عقده‌ها فروکش‌می‌نمود . متاسفانه‌چنین نشد و دگرگونی روحی بوجود نیامد و تقاضاها همچنان قوت گرفت .

یک‌راه‌دیگرمانده‌است : افزایش تولید و واردات برای مقابله‌با تورم .

واردات مابعدازانقلاب‌کم شده است :

در سال ۱۳۵۶ ارزش واردات ما ۱۰۱۸ میلیاردریال بوده است و در سال ۱۳۵۸ با وجود افزایش قیمت‌ها به۶۸۶ میلیارد ریال‌تقلیل‌یافته‌است . اوایل‌انقلاب‌افکارعمومی‌مخالف ورود کالاهای خارجی بود و شعارهای‌در ودیوارشهر‌امتناع از خرید کالاهای خارجی‌بود . حالا اگربول‌داشته‌باشیم‌معلوم نیست تا مسئله گروگانهای امریکائی‌حل‌نشده‌بما‌بفروشند .

پس فقط باید تولید کرد ؛ بیهوده نیست که رئیس جمهوری از هر فرصتی که‌برای حرف زدن بدست میاورند از تولید صحبت می‌کنند حتی آن روزی که خبرنگاران از مهاجمین طبس سئوال‌کرده بودند . برای تولید دو بخش فعالیت می‌کنند :بخش‌خصوصی و بخش عمومی .

بخش‌خصوصی برای آنکه تولید کند باید امنیت داشته باشدو قانون‌مخلوق‌اراده آزاد انسان‌برمردم حاکم‌باشد .

دنباله دارد

پیام
جبهه ملی
نشریه سیاسی

صاحب امتیاز : دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول : اصغر پارسا
نشانی : خیابان کارگر (سمیری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن : ۹۲۱۲۰۰

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۵۹
شماره ۱۹ صفحه ۴

کنفرانس اسلام آباد تجلی آرزوهای امت مسلمان برای استقلال و پیشرفت

اسلام‌آباد ـ خبرگزاری اسوشیتدپرس ـ شاهزاده سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی در اسلام آباد گفت ،کنفرانس جاری وزرای‌خارجه‌کشورهای‌اسلامی تا اندازه زیادی به اتحاد مسلمانان کمک خواهد کرد .

وی که در مصاحبه با رادیو پاکستان سخن میگفت افزود این کنفرانس تجلی آرزوهای امت‌مسلمان برای استقلال و پیشرفت است .

وزیر خارجه عربستان در پاسخ‌به‌سوالی گفت ،اقدامات نظامی بویژه توسط ابرقدرتها راه درستی برای دستیابی به اهداف آنها محسوب نمیشود .

وی اظهار امیدواری کرد که مسئله‌گروگانهای‌آمریکائی در تهران از راه‌های مسالمت‌آمیز و در چارچوب قوانین بین‌المللی حل شود .

وزیر خارجه عربستان سعودی تصریح کردکه‌درصورت مواجه با هر گونه حمله‌ای ایران از حمایت عربستان‌سعودی و دیگر کشورهای مسلمان برخوردار خواهد بود .

افزایش...

بقیه از صفحه ۱

محروم که از فرط استیصال ۱۶ ساعت در روز به مسافرکشی می پردازد تا بتواند با تحمل انواع مخاطرات وقبول ناملایمات دو سیر گوشت برای فرزندان معصوم خود تهیه کند ، فرش و لباس خود و فرزندانش را گرو گذاشته و پولی تهیه کرده تا وسیله معاش فراهم کند؟

آیا فکر کرده‌اید سنگینی بار زندگی موج نارضایتی را بین قشرهای محروم اجتماع ما مثل کارمندان دولت‌ـ کارگران و پیشه وران متوسط بصورت بیسابقه بالا برده است؟!

چه قاعده‌ای بر ارکان اقتصادی ما حکومت میکند ، قاعده عرضه و تقاضا ـ قانون تشویق صنایع داخلی ـ قانون منع احتکار؟!

نه‌به‌اعتقاد من هیچکدام از این ضوابط اقتصادی حاکم بر روابط ما نیست ، براقتصاد ما بی قانونی حاکم است .

این بی قانونی براقتصاد ما حاکم است ،مهم نیست که طبقات محروم و زحمت‌کش زیر فشار گرانی انواع کالاها دست وپا بزنند ، مهم این است که باز بر مبنای همان سیستم غلطی که در سابق وسالهای وابستگی رژیم منحط پهلوی در دوران چپاولگرانی نظیر خیامی‌ها اعمال میشده است امروز هم طبقات ستمکش و واپس مانده اجتماع ما روز بروز در چنگال دیو گرانی اسیر باشند .

تصمیم به افزایش بهای رنو درست بفاصله ۲۴ ساعت پس از گرانی پیکان زنگ‌خطری است برای همه مردم ما .

برای مصرف کنندگان بطور اعم زیرا از امروز بهای کالاهای مورد نیاز مردم قوس صعودی می‌پیماید .

کنترل صحیح بر نرخها مثل همه دنیا ، غرب را نمی‌گویم که متهم به غرب زدگی شوم ، در همین ممالک اقمار خلیج فارس و حتی افریقا ، حساب وکتابی و ضوابطی برای جلوگیری از احتکار ، تثبیت قیمتها ـ و نرخ گذاری صحیح وجود دارد .

پریروز پیکان ـ دیروز رنو ، فرداکالاهای ضروری دیگر و دیر یا زود ، فنا ومرگ میلیونها مصرف کننده .....

م ـ ملکی
وکیل دادگستری

شورای انقلاب و ...

بقیه از صفحه ۱

منفی و مضر روزبروز در حال تزاید است وتصمیمات واقدامات کسانیکه قدرت را در دست دارند ودرراس آن شورای انقلاب از علل اصلی این وضع نامناسب میباشد .

شورای انقلاب نام عزیز و مقدسی که میبایست دربرتو انقلاب بزرگ جاودان میماند اینک بعنوان مرکزی که مسئول نابسامانیهای بعد از انقلاب است روزهای پایان حکومت خود را طی می‌کند .

با آنکه قضاوت عموم نسبت به نتایج کار این شورا انجام گرفته است ولی در طول زمان همه قشرهای مردم بـه آنچه که در دوران بعد از انقلاب بر این کشور گذشته است آگاه خواهند شد و کسانی را که براثرجاه‌طلبی ،بی‌اطلاعی ، کوته‌بینی و چه بسا غرض‌ورزی رسالتی را که برعهده‌گرفتند انجام ندادند و شکوفائی انقلاب را به بیراهه کشاندند محکوم خواهند ساخت .

با اینهمه ما انتظار داریم شورای انقلاب که ظاهـرا لحظات پایان عمر خود را میگذراند گزارش جامع مذاکرات و مشروح اقداماتی را که معتقد است در جهت سازندگی کشور و انقلاب بوده باطلاع مردم برساند و برای یکبارهم که‌شده بوعده‌ای که داده عمل کند .

زن در انتخابات مجلس...

بقیه از صفحه ۱

" شما ملت شریف دیدید که زنهای محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان بمیدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را درـ هم شکسته ، ما همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم ... "

وقتی زن ایرانی درروزهای انقلاب بر زمین حسرت‌زده ایران گام می‌زد و وقتی با شما در مسیر انقلاب می جوشید ، می خروشید و شعارهای حق‌طلبانه میداد آیا باورش میشد که چنین کم به حسابش آورند؟ جادارد که همه فریاد زن را به‌یادآوریم واینک فریاد خفه شده در گلویش را بشنویم .

زنان کشور ما درانقلاب نشان دادند چگونه‌دوش‌به‌دوش مردان ، پدران ، همسران و برادرانشان در حرکت هستند وبه سائقه ملی‌گرائی‌وآزادی‌ـ خواهی با تمسک‌به‌اسلام مکتب رهائی‌بخش‌راه‌رهائی‌را می‌پویند و برای آزادی از دام اسارت بیگانه ، آزادی خود از قید تجملات قدم برمیدارند ، سادگی و صفا وبی‌پیرایگی‌راکه پس از انقلاب مقبولیت عام یافت پذیرایند . آنها در هر سطحی چه تحصیلکرده ، چه بیسواد ، چه غنی و چه فقیر ، چه شاغل در خارج از منزل و چه‌خانه‌دارنشان دادند که‌متقبل هرگونه سختی را در پیروزی انقلاب دارند آنها امیدوارانی بودند که چشم امید به افـق فردای ایران و انقلاب دوخته بودند . ولی چرابگذاریم آینده سراب باشد؟ آیا این‌درد انگیز نیست . زن ایرانی که درمسیر انقلاب شوهر ، پدر ، خواهر و برادر خود را از دست داد و درسوگ عزیزان نشست چرا اینقدر کم به حساب آمد . هنوز نگاه شوق‌آفرین فاطمه امینی‌هـا ، بازرگانی‌ها ، رضائی‌ها و . . . . نور امید به راه او می‌افشاند . زن ایرانی بآینده‌امیدواربود . امیدوار است ولی نه آینده‌ای به‌دوری‌ابدیت ، بلکه‌آینده‌ای نزدیک و سرنوشت‌ساز .

انقلاب اسلامی و ملـی نشان دادتاچه‌حدزنان ایرانی فکر بیدار و ذهن روشن دارند و تا چه حد میتوانند با درک صحیح‌ازمسائل درکسب‌آزادیها و استیفای حقوق انسانی خود کوشا باشند ، پس چرا اینگونه او را به عقب زنیم مگر نه‌آنکه او انسان است؟

درباورهمه‌ماکه‌به‌انقلاب بزرگ و اسلام راستین عقیده داریم متعاقب‌این انقلاب‌انتظار میرود عظمت وحی‌الهی‌وشکوه معنویت پیامبر گرامی ما آشکار شود . باید زن به حساب‌آید ، زیرادرمکتب‌پیامبرانسان مورد توجه است نه فقط مرد .

روی سخن ماگرچه‌باهمه افراد جامعه‌است‌ولی‌مخاطبین ویژه‌ماکسانی‌هستندکه‌درمسائل جاری و ضروری بعد از انقلاب مسئولیت داشته و نقش موثری در پیشبرد امور داشته‌و دارند و بیشتر خطاب مامتوجه‌کسانی است که‌درانتخابات‌دست‌اندر کار بودند .

مساله حضور زن در انتخابات مجلس چه در مورد انتخاب کردن و چه در مورد انتخاب شدن مساله کوچکی نبود که این چنین از کنار آن ساکت بگذرید و این سکوت یک مضیقت است . . . ما دیدیم راجع به همه مسائل صحبت‌شد وتصمیم‌گیری‌شد ،جزاین مساله مهم یعنی بحساب آوردن زن در انتخابات مجلس که‌چندان مورد عنایت مسئولان امور مملکتی واقع نشد و نتیجه‌این شد که نیمی از اجتماع ما از مجلس کنار رفتند و فقط دو تا توفیق ورود یافتند ، شگفتـا اینها چگونه بتواننـد پیام میلیون‌ها زن را تبیین کنند . آیا این مساله نیست؟

بدیهی‌است سهم‌بسیاری از مسئولیت این انتخابات بر دوش خود زنان‌است که‌چه‌سان مقهور شدند ، بی‌تفاوتی نشان دادند و کم‌بهره ماندندو این خود جای بحث است ، جـای هشداردادن‌است‌وجای‌فعالیت در ایجاد زمینه مساعدی که‌به تشکل منطقی جامعه‌زنان منجر شود تا از این طریق بتوان به رشد فرهنگی جامعه زنان نائل شد .

اکنون آنچـه در مورد انتخابات برسرزن‌ایرانی آمده است موضوعی‌است‌گذشته‌وتنها تاسف نسبت به آنچه‌که‌گذشته است کار منطقی بنظرنمیرسد ، فعلا" باید چاره‌جوئی‌کرد ودر صدد جبران این کمبود حتی میشود گفت این ضایعه‌برآمد . ما یک هشدار به زنان داریم و یک هشدار به نمایندگان مرد مجلس .

جامعه زن باید بیـدارو هشیار باشـد . رهنمودهـای انقلاب‌راکه‌بعضی‌ها میخواهند به اضمحلالش بکشانند با بینش و آگاهی حفاظت کند . پیـام تعهد و مسئولیت وجدانـی و انسانی خود را در مورد حقوق طبیعی‌و آزادی‌وبرابری انسانی به زنان نماینده‌برساند . آنها را در بازگوئی این پیام مشوق باشد .

اتحاد واتفاق‌رادرزمینه مسائل خاص جامعه‌زن فراموش نکند . آگاه و بینا باشد . اگـر نتوانسته به مجلس به‌انـدازه کافی نماینده بفرستد با توجه و علاقه به مسائل مطروحه‌خود را معنا" و ذهنا" در مجلـس احساس کند و یاور نمایندگان خود باشدوآنهارامورد حمایت‌و پشتیبانی قرار دهد .

نمایندگان مرد نیزباید شدیدا "احساس‌مسئولیت‌کنند و غیر از آن دوزن‌که‌درمجلس هستند زنان محروم‌وستمدیده ایرانی را که پیوسته تحت‌ستم مضاعف‌وسلطه‌جباران بوده‌اند ، ببینند احساس کنند و مسائل و مشکلات آنهارادرک‌نمایند . به چاره‌جوئی مشکلات و حـل مسائل آنان بپردازند .

که اگر جزاین‌کنند ستمی جبران‌ناپذیر بر زن روا داشته و از این راه به تضعیف جامعه پرداخته‌انـد و طبیعی است تضعیف جامعه مآلا" به‌انهدام ملت و کشور منجر خواهدشد .

خانم فرشیدافشار

چراحاکم...

بقیه از صفحه ۱

فرزندش .

۲ـ آقای حاکم شرع که حتما" نمازهای‌واجب‌پنجگانه را حداقل در شبانه‌روز به جا می‌آورند و در هر نماز دوبار بسم‌الله الرحمن‌الرحیم و دو بار الرحمن‌الرحیم یعنی‌کلمه بخشنده‌ومهربان‌راکلا" هشت بار و در شبانه‌روز جمعا" ۴۰ بار تکرار می‌کنند نبایـد از لطف‌وبخشش‌پروردگارمهربان غافل باشند و برای یـک زن بفرض که‌گناه‌کار‌باشدکه‌نیست مجازات اخراج و تنبیه و زور را بکار ببرند و آیا نباید فکر کنند که قطع حقوق وی بسته به زندگی او و یک خانواده و ایجاد بدبینی‌وناامنی درسایر معلمین می‌کند؟

۳ـ چرا باید متصدیان امور آموزشی و پرورش افـراد مدیر و کاردان و باتجربه بر سر کار نگمارند که‌کاردرمدرسه حل نشود ، در اداره مربوطه حل نشود ، مدیرکل حل‌نکند و کار بدست حاکم شرع‌بیفتد و او نیز بی‌توجه رایی صادر کند که در نظر مردم سجایا و عطوفت‌ومحبت‌اسلام فراموش و دین اسلام دین‌زورقلمداد گردد .

۴ـ بنده وقتی شنیدم که عده‌ای در اراک بنفع این خانم معلم دست به اعتراض و اعتصاب زدند و بعد قضیه فروکش کردگفتم حتما "ازطرف مقامات‌مسئول‌آموزش وپرورش اقدام جدی شده و کارفیصله پیدا کرده بخصوص که‌عده‌ای از روحانیون سرشناس‌نیزاین کار را سهوی دانسته وگناهی متوجه این خانم نمی‌دانند ولی چند روز پیش درروزنامه خواندم که عده‌ای ازدبیران اراک قصد تحسن در قـم را دارند . متعجب شدم‌ودریافتم که نه آموزش و پرورش کاری کرده ونه‌آقای‌حاکم شرع دست ازلجاجت‌خود برداشته‌است .

۵ ـ آقای وزیر شما به عنوان یک‌وزیرمسئول‌هستید . مسئول حفظ منافع و حقوق همکاران فرهنگی بخصوص که عضوشورای‌انقلاب‌هم‌میباشید .

و به مبارکی به‌نمایندگی مردم هم درمجلس انتخاب شده‌اید . این زن هم معلم‌و هم یکی از مردم‌است‌به‌دادا‌وهم برسید . آقای وزیر فراموش نکنیم کـه یکی از بزرگترین شعارهای ما در سرنگونی رژیم پهلوی‌این بود " الملک‌یبقی مع‌الکفـر ولایبقـی مع‌الظلـم " واین ظلم‌های کوچک بمصداق پشه چون پرشدبزندپیل‌را انقلاب و رژیم جمهـوری اسلامی‌را تهدید می‌کند .

۶ـ ممکن است گفتـه شود . ایـن اعتـراضات و اعتصابات‌وتحصن‌ها‌و شکایات و . . . . تحریک ضد انقـلاب است . باید گفت که این ضد انقلاب از چه فرستی‌استفاده می‌کند و آیا این امکان‌وفرصت را مدیر آن مدرسه ، رئیس‌آن اداره ، مدیرکل آن شهروحاکم شرع و بالاخره جنابعالی کـه مسئول‌دراس‌هستید نداده‌اید؟

شاید هم بنده‌ندانسته قضاوت می‌کنم و جنابعالـی اقداماتی کرده‌اید یا اصولا" کار بصورت دیگری‌بوده‌است . بنده بعنوان یک همکار شما و بعنوان یک‌مسلمان‌ویک‌ایرانی نگران‌عواقب‌انقلاب ،استدعا دارم دراین‌مورد‌اگراقداماتی شده یا مبذول می‌فرمائید از طریق جراید اعلام‌فرمائیدتا هم بنده و هم سایر همکاران آگاه شوند .

علی‌اکبر محمودیان

جلسه سخنرانی هفتگی جبهه ملی

در جلسه‌سخنرانی‌امروز پنجشنبه ۵۹/۳/۱ آقـای ـ حسن طالبی در باره‌علل‌یاس وبدبینی درمردم‌وآقای‌دکتر ـ دادبه درباره قانون دراجتماع در تشکیلات مرکزی‌جبهه‌ملی (خیابان‌سی‌متری کارگرمقابل ستاد ژاندارمری) سخنرانی خواهند کرد ورود برای‌عموم آزاد است .

تهنیت بمناسبت انتشار ندای آزادی

ندای آزادی ، روزنامه صبح تهران در هشت صفحه منتشر میشود و این روزهابه عنوان یک روزنامه جدیدالانتشار روی میز روزنامه‌فروشها بـه چشم می‌خورد .

ندای آزادی روزنامـه ایست سیاسی و اجتماعی که زیر نظر نویسندگانی جـوان انتشار می‌یابد . تولد ندای ـ آزادی را به همه نویسندگان ، مسئولان وکارکنان این‌روزنامه تهنیت می‌گوئیم و امیدواریم ندای آزادی بتواند در راه آزادی و اعتلای میهن‌عزیز و انقلاب شکوهمند ملت‌ایران گامهای موثری بردارد .

ایرانیان...

بقیه از صفحه ۲

هموطنان عزیز توصیه میشود بجز در موارد کاملا" ضروری از مسافرت به آن کشورخودـ داری نمایند .

ضمنا" یادآوری میشود که الزاما" اخذ روادید جهت دارندگان گذرنامه‌های عادی که بکشورهای سویس ـ اتریش سفر مینمایند کماکان بقوت خود باقی است .

هلیکوپترهای...

بقیه از صفحه ۱

بوده‌اند ، گفت هلیکوپترها روسی بوده وراکتها نیز کـه لاشه آنها در دفتر کـار من موجود است پوکه‌های به جا مانده همگی روسی است . تولیتی فرماندار باخز ر در پاسخ سئوال دیگر خبرنگار که‌آیادر روزهای گذشته هم نظیر این تجاوز یا حملـه صورت گرفته یا خیر گفت در سه روز پیش گزارش داشتیم که حدود چهارصد تانک‌روسی در نوار مرزی مستقر شدند که این گزارش تسلیم مرکز شد و گروهی به محل اعزام گردید ولی بانوجه به اینکه هلیکوپتر های متجاوز دارای زره‌هستند و سلاحهائی چون بوزی و ژ ـ ۳ به آنها اثر نمیکند باید با سلاحهای ضد هوائی با آنها مقابله شود .

وی افزود پاسگاه مرزی چـاه حلقه بـه هنگام تجاوز هلیکوپترهای روسی بخاک ایران به سوی آنها تیراندازی کرده است .

۲۰ قاچاقچی...

بقیه از صفحه ۱

از این قاچاقچیان بیش از ۹۵/۵ کیلو هروئین ، ۹۰۰۰ کیلو تریاک ومقادیر متنابهی حشیش کشف شده است و در تحقیقاتی که بعمل آمد معلوم شد این عده باگذرنامه‌های جعلی و عبور از مرز کشورهای مختلف به کار قاچاق مشغول بوده‌اند .

حجت‌الاسلام خلخالی اضافه کرد :

قاچاقچیانی که دستگیر شده واز سوی دادگاههـای انقلاب محکومیت یافتند یک زن و بیست مرد بودند .

زنی کـه در میـان قاچاقچیان بود با یک درجه تخفیف به حبس اید و بقیه به اعدام محکوم شدند . وی گفت :

برای جلوگیری از معتاد شدن جوانها ناگزیریم بـا قاچاقچیان مواد مخدرمبارزه‌بی امان داشته باشیم و آنها را ریشه کن کنیم .

پاسخ دکتر مهدی آذر...

بقیه از صفحه ۲

رژیم منحوس پهلوی‌و ساواک و سرسپردگی به‌نظام گذشته" و به بهانه پاکسازی از شغلی که دارند میرانید و یا وادار به استعفا میکنید و از هستی ساقطشان میسازیدوبعد ادعا می‌کنید که "بخاطر وظایـف انسانی و اسلامی خود راضی نمی‌شوید اسامی را درشرایط فعلی (کدام شرایط؟) و بر خلاف خواست قلبی مشروحتر و مفصلتر منتشر نمـوده‌و خانواده‌ها را ناراحت نمائید" . من نمیدانم که دعوی اسلام وانسانیت داشتن و با استحضار از دستور وامرصریح وحکیمانه قرآن مجید و آیاتی مانند : *یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا" من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا* (سـوره‌ٔ حجرات آیه‌ٔ ۱۲) و حدیثی مانند *ان الله حرم من المسلم دمه وماله و عرضه و ان یظن به ظن السوء* و از این قبیـل آیات و احادیث دیگرو علاوه بر اینها بطوع و رقبت تبعیت از اصول ۲۸ و ۲۹ و ۳۲ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را واجب دانستن و باز بـا تظاهربه پاکسازی وتصفیه‌درپرونده‌های بی‌اعتبار گذشته ، سوابـق اعتقادی و عمل اشخاص را ـ از هر صنف وطبقه ـ تجسس نمودن‌وفقط برحسب تشخیص ورای خودآنان را محکوم‌کردن چه محملی دارد؟

بالاخره‌جای‌این‌سئوال هم هست که خود شمـا و همکارانتان در رژیم منحوس پهلوی کجا بودیدو چه‌شغلی و سمتی داشتید؟ فرض کنیم که پرونده‌ها و شاهد ها همه معتبر و موثق هستند در این صورت وظیفه کسی که قصد تصفیـه و پاکسازی دارد آن است که بر طبق اصول قانون اساسی که ذکر شد اشخـاص تصفیه شدنی را (هر که وهر چه هستند) با پرونده‌هـای آنان به محاکم صالحه‌بفرستد و رسیدگی به‌آنهاوصدور حکم مناسب را به عهده محاکـم مزبور بگذارد چنانکه درباره‌ٔ مرتکبان خیانتها و جرمهای غیرقابل تردید بهمین‌ترتیب عمل شده است و میشود و بنابراین کارهائی که‌متصدیان وعهده‌داران امورو زارتخانه‌ها و ادارات بعنوان پاکسـازی و تصفیه فقط بر حسب رای و تشخیص و یا مصلحت دیـد خود انجام می‌دهند خـارج از حیطه‌ٔ صلاحیت‌واختیارات آنان است .

آقای‌وزیرآموزش‌وپرورش من مایل نیستم بیشتر ازاین قلمفرسائی کرده‌مزاحم‌اوقات و شاید تصدیع شما بشوم واز ورود دربحث‌کیفیت‌استدلال و ایرادهای انشائی و عبارتی نامه شماوناسزاهائی که‌چنانکه گفتم درآن در باره‌ٔ جبهه ملی و اعضاء آن بقلم آورده شده است خودداری می‌کنـم اما نمیتوانم از یکی دو غلط املائی آشکار و زننـده‌ٔ آن بگذرم وساکت بمانم . درنامه شما دو کلمه‌ٔ مسئول و شئون بصورت مسوول و شوون نوشته شده است غافل از اینکه هـر دو کلمه به اصطلاح صرفیـی مشتق‌ازریشه‌های‌مهموز العین میباشدنه‌معتل‌العین‌و نوشتن مسئول بصورت مسوول حتـی خلاف رسم‌الخط قرانی است که انشاءالله گاهی می‌خوانید و باید سرمشق مابیسوادها در نوشتن کلماتی نظیر آن باشد و یک‌معلم‌مامورتصحیح دیکته هر دوی آنها را غلط فاحش و غیرقابل‌اغماض‌تلقی‌خواهد کرد و وجود آنها در نامه‌ای که از دفتر وزارت آمـوزش و پرورش صادرمیشود (هرچند بامضای شخص دیگر از طرف وزیر است) مدهش و قابـل ملامت است .

والسلام علی من اتبع الهـدی
دکتر مهدی آذر